

شاعر سرزمین بی‌مرز



خالق مطرح‌ترین نمایشنامه‌های تاریخ ادبیات انگلیسی بر این باور بود که «دوران طلایی پیش روست، نه پشت سر»؛ پس تعجبی ندارد که او همیشه چندین گام جلوتر از زمان خود حرکت می‌کرد، مخالفان بسیاری در میان هم‌عصرانش داشت و آثارش هنوز پس از قرن‌ها حرف اول را در دنیای ادبیات می‌زند.

خالق مطرح‌ترین نمایشنامه‌های تاریخ ادبیات انگلیسی بر این باور بود که «دوران طلایی پیش روست، نه پشت سر»؛ پس تعجبی ندارد که او همیشه چندین گام جلوتر از زمان خود حرکت می‌کرد، مخالفان بسیاری در میان هم‌عصرانش داشت و آثارش هنوز پس از قرن‌ها حرف اول را در دنیای ادبیات می‌زند.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ویلیام شکسپیر شاعر و نمایشنامه‌نویس شهیر انگلیسی است که با قلمش میراثی ماندگار خلق کرده و نامش را در تقویم ادبی جهان ابدی کرده است. با گذشت حدود چهار قرن از درگذشت این غول ادبیات انگلیس، هنوز هم سالانه چندین و چند مقاله، رساله و پروژه پژوهشی از سوی استادان، دانشجویان و منتقدان سرتاسر جهان با محوریت آثار او ارائه می‌شود.

به مناسبت سالروز درگذشت ویلیام شکسپیر به نقل چند جمله از او و مرور زندگی‌نامه‌اش می‌پردازیم:

* دوران طلایی پیش روست نه پشت سر.

* محکوم زمانیم و زمان محکوم به گذشتن.

* ظرف که خالی باشد، صدای بیش‌تری دارد.

* برای لذت بردن کافی است اندکی احمق باشی.

* کشنده‌تر از نیش مار، بچه حق‌ناشناس است.

* بالاتر از همه چیز این است که با خودمان صادق باشیم.

* سعادت‌مند کسی است که به مشکلات زندگی لب‌خند بزند.

* هر که سرگیجه دارد، فکر می‌کند دنیا دور خودش می‌چرخد.

* با خنده و شادی، بگذار چین و چروک‌های پیری از راه برسند.

* خدا به تو یک صورت داده است و تو از آن صورت دیگری ساخته‌ای.

* به همه عشق بورز، به تعداد کمی اعتماد کن، به هیچ‌کس بدی نکن.

* به لب‌هایت خوار و خفیف کردن نیاموز که برای بوسیدن آفریده شده‌اند.

* صورت شما کتابی است که مردم می‌توانند از آن چیزهایی عجیب بخوانند.

* از دست دادن امیدی پوچ و آرزویی محال، خود موفقیت و پیشرفت بزرگی است.

* داشتن علم بهتر از داشتن ثروت است، ولی نداشتن ثروت بدتر از نداشتن علم.

* چرخ فلک، قایق‌هایی را به حرکت درمی‌آورد که پارو آن‌ها را به حرکت درنیاورده است.

* عجیب است که گوش بشر در مقابل نصیحت کر است ولی نسبت به چاپلوسی شنوا.

* دوستی نعمت گرانبهایی است، خوشبختی را دوبار می‌کند و به بدبختی تخفیف می‌دهد.

* چقدر بدبختند آنان که صبر و شکیبایی ندارند؛ مگر نه آن است که زخم ذره ذره التیام می‌یابد.

* کسی را که دوست داری آزادش بگذار، اگر قسمت تو باشد برمی‌گردد وگرنه بدان که از اول مال تو نبوده است.

* هرچه را دوست داری به‌دست آور وگرنه مجبور می‌شوی هر چه را به‌دست می‌آوری دوست داشته باشی.

* موطن آدمی را در هیچ نقشه جغرافیایی نمی‌توان یافت، وطن آدمی در قلب همه کسانی است که دوستش دارند.

* اگر کسی یک بار به تو خیانت کرد، این اشتباه از اوست؛ اما اگر کسی دو بار به تو خیانت کرد این اشتباه از توست.

* شکوه دنیوی همچون دایره‌ای است بر سطح آب که لحظه به لحظه به بزرگی آن افزوده می‌شود و سپس در نهایت بزرگی هیچ می‌شود.

* این قانون طبیعت است که هیچ کس به تنهایی نمی‌تواند خوشبخت باشد، بلکه خوشبختی و سعادت را باید در سعادت و خوشبختی دیگران جست‌وجو کرد.

«ویلیام شکسپیر» در روز 23 آوریل 1564 در استراتفورد اون‌آوون انگلیس متولد شد. پدرش یکی از شهروندان پرآوازه بود که به عضویت انجمن شهر و بعد از آن انجمن ناظر املاک شخصی درآمد، اما پس از مدتی دچار مشکلات مالی شد. شکسپیر در مدرسه «گرامر استراتفورد» به تحصیل زبان لاتین پرداخت، اما هرگز به دانشگاه آکسفورد یا کمبریج نرفت.

درباره دوران جوانی شکسپیر روایات زیادی وجود دارد، اما درباره هیچ‌یک از آن‌ها مدرک مستندی در دست نیست. اولین مدرکی که بعد از مراسم تعمید او در 26 آوریل موجود است، ازدواجش با «آن هاثوی» در سال 1582 است. او از این ازدواج صاحب یک دختر در سال 1583 و یک پسر و دختر در سال 1592 شد.

در حال حاضر هیچ مدرکی مربوط به هفت سال پس از سال 1592 موجود نیست، اما وی در سال 1592 در لندن در نقش یک

هنرپیشه و بعدها به عنوان یک نمایشنامه‌نویس به شهرت رسید. در این زمان چندین کمپانی هنرپیشگی در لندن راه‌اندازی شده بود. عده‌ای گمان می‌برند شکسپیر قبل از سال 1592 با تعدادی از این کمپانی‌ها همکاری می‌کرده؛ اما مدرکی معتبر از همکاری‌اش با موفق‌ترین گروه تئاتر آن زمان یعنی گروه «مردان لرد چمبرلین» موجود است. این گروه زمانی که «جیمز اول» به سلطنت رسید، به «مردان پادشاه» تغییر نام داد. شکسپیر نه تنها با این کمپانی در نقش یک بازیگر کار می‌کرد، بلکه به تدریج به یک سهام‌دار اصلی و نمایشنامه‌نویس قابل تبدیل شد. در سال 1599 کمپانی «مردان چمبرلین» به تئاتر «The Globe» ملکه‌النات بعد از آتش‌زدگی، کد. ویلیام شکسپیر

شکسپیر در سال‌های اولیه حرفه‌اش، خود را به تئاتر محدود نکرد؛ او در سال 1593 یک شعر اسطوره‌ای به نام «ونوس و آدونیس» نوشت و آن را به «کنت سوتامپتون» تقدیم کرد.

اولین سندی که در آن فعالیت شکسپیر یاد شده، مربوط به نوشته‌های «فرانسیس مرز» است؛ این نویسنده در کتابی، شاعران انگلیسی را با شاعران پیشین مقایسه کرده و درباره شکسپیر گفته است: همان‌گونه که از «پلوتوس» و «سکا» به عنوان بهترین طنزنویس‌ها و تراژدی‌نویس‌های زبان لاتین یاد شده، شکسپیر نیز در میان نویسندگان انگلیسی در نوشتن نمایشنامه طنز و تراژدی تبحر زیادی دارد. او در ادامه، نمایشنامه‌های «ریچارد دوم»، «ریچارد سوم»، «هنری چهارم»، «پادشاه جان»، «تیتوس آندرونیکوس» و «رومئو و ژولیت» را به عنوان تراژدی‌های شکسپیر و «دو جنتلمن از ورونا»، «کمدی اشتباهات»، «رویای نیمه‌شب تابستان»، «تاجر ونیزی» و ... را به عنوان کمدی‌های شکسپیر نام برده است.

شکسپیر در پایان دهه 1590، کمدی‌های رمانتیک بزرگ خود همچون «همان‌طور که تو آن را دوست داری»، «شب دوازدهم»، «هیاو بر سر هیچ» و نمایشنامه تاریخی نهایی‌اش «هنری پنجم» را نوشت.

دهه بعد، دهه خلق ماندگارترین شاهکارهای شکسپیر یعنی تراژدی‌های بزرگ «هملت»، «مکبث»، «اوتللو»، «شاه لیر» و «آنتونی و کلپاترا» بود.

در سال 1610، شکسپیر بازنشسته شد، اما همچنان به کار نویسندگی‌اش ادامه داد و به تنهایی کتاب «توفان» و با همکاری فرد دیگری «هنری هفتم» را نوشت. این دوره، دوره نوشتن تراژدهای کمدی همچون «توفان»، «سیمبالین» و «قصه زمستان» بود. جدا از شعرهای غیردراماتیک، شکسپیر استعدادش را به تئاتر اختصاص داد. «مرز» در سال 1598 در کتابی نوشت: شکسپیر در میان دوستانش به سرودن غزل‌های شیرین شهرت داشت.

غزل‌های شکسپیر در سال 1609 منتشر شد که ارتباط او با دنیای عمومی مردم بود، اما کاملاً با غزل‌های دیگر شاعران هم‌عصرش متفاوت بود. برخی از این غزل‌ها درباره زیبایی یک مرد جوان و اصرار به ازدواج، شمار دیگری درباره یک زن است، تعداد دیگری درباره مثلث عشقی بین دو مرد و یک زن و شماری درباره قدرت ویران‌کننده زمان و جاودانگی شعر است. اگرچه کلمات به کاررفته در این شعرها اغلب ساده هستند، اما از سبک استعاری بسیار غنی‌ای برخوردارند. مفاهیم موجود در این شعرها نیز تنها به افکار رایج دوره رنسانس محدود نبود؛ بلکه شامل مفاهیم شادی، غرور، افسردگی، شرم، ترس و ناراحتی است. این شعرها نشان می‌دهد که خالق آن‌ها، نویسنده نمایشنامه‌های بزرگی نیز هست.

نمایشنامه‌های شکسپیر شامل بهترین ترانه‌هایی بودند که تا آن زمان نوشته شده بود. این ترانه‌ها گونه‌های مختلفی داشتند، از آن جمله ترانه‌های صبحگاهی، ترانه‌های روستایی، عاشقانه و ترانه‌های غم و ویژه مراسم خاکسپاری. ترانه‌های خالق «هملت» جنبه‌های گوناگون استعداد این نویسنده بزرگ، قدرت خدادادی در سرودن غزل‌های شاد، قدرت شوخ‌طبعی، آگاهی فوق‌العاده‌اش از دیدگاه‌ها و نگرش مردم انگلیس بویژه مردم روستانشین را نشان می‌دهد.

در سال 1616 هنگامی که شکسپیر درگذشت، هیچ نسخه جمع‌آوری‌شده‌ای از نمایشنامه‌هایش منتشر نشد. برخی از این نمایشنامه‌ها بدون نظارت یک سردبیر در نسخه‌های جداگانه‌ای منتشر شدند. در سال 1623 دو نفر از اعضای کمپانی شکسپیر مجموعه بزرگی از تمام نمایشنامه‌های او را منتشر کردند.

شکسپیر در 23 آوریل، یعنی روز درگذشت «میگوئل دو سروانتس»، از دنیا رفت. به همین دلیل، یونسکو به احترام درگذشت هم‌زمان این دو شخصیت بزرگ دنیای ادبیات، این روز را «روز جهانی کتاب» نام نهاد.